

An Analysis of the Pre-modern and Modern Prison Structure Case Study: Tehran's Anbar and Qasr Prisons

Yaghoub Khazaei*

Assistant Professor of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini, International University, Qazvin , Iran,
khazaei@hum.ikiu.ac.ir

Abstract

Prisons are institutions that have existed in different forms from the past. In the pre-modern era, it was possible that any place of use would be a prison, and that is why wells, caves, houses, gardens and so on were used as prisons. But in the new era of Iranian history, with the removal of different uses, only certain buildings with a certain structure were used as a prison. The purpose of the forthcoming study is to examine the structure of pre-modern and modern prisons, relying on Tehran's Anbar and Qasr prisons. What was the structure of Tehran's Anbar as a pre-modern prison and Qasr prison as a modern one? What are the similarities and differences between them? And on this basis, the main question of the current study is whether a prison like Qasr could be regarded as the continuation of Anbar. The results of this study indicate that the physical space in these two types of prisons proves a clear gap between Anbar's Qajar-like structure and Qasr's Pahlavi-like structure, in which, we get from the lack of rights to prisoners' rights, from simplicity to complexity, and from darkness to light.

Keywords: Prison, Structure, Anbar, Qajar Prison, Pahlavi

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۳-۳۰
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۲/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴

تحلیلی بر ساختار زندان پیشامدرن و مدرن (نمونه پژوهشی: انبار تهران و زندان قصر)

یعقوب خزائی*

چکیده

زندان در زمره نهادهایی است که از روزگاران گذشته و به اشکال مختلف وجود داشته است. در دوران پیشامدرن، این احتمال وجود داشت که هر مکانی کاربری زندان داشته باشد و به این علت است که از چاه‌ها، قلعه‌ها، خانه‌ها، باغ‌ها و... در حکم زندان استفاده می‌شد؛ ولی در دوره جدید تاریخ ایران، با حذف کاربری‌های مختلف، فقط از ساختمان‌هایی مشخص با ساختار معین در حکم زندان استفاده می‌شد. مسئله پژوهش پیش رو این است که با تکیه بر انبار تهران و زندان قصر، ساختار زندان‌های پیشامدرن و مدرن را بررسی کند. اینکه انبار تهران در جایگاه زندانی پیشامدرن و زندان قصر به مثابه زندانی مدرن چه ساختار و فضای کالبدی داشتند و اینکه از منظر ساختاری، به احتمال چه وجوه تشابه و تفاوتی را بین انبار و قصر ممکن است در نظر گرفت. بر این بنیاد، پرسش اصلی جستار کنونی این است: آیا می‌توان زندانی همچون قصر را تداوم و استمرار انبار تلقی کرد؟ نتایج این جستار نشان‌دهنده آن است که فضای کالبدی در این دو نوع زندان، مؤید گسستی آشکار از ساختار انبار قاجاری به زندان قصر پهلوی است که در آن از سادگی به پیچیدگی، از تاریکی به نور و از نبود حقوق به حقوق زندانی می‌رسیم.

واژه‌های کلیدی: زندان، ساختار، انبار، زندان قصر، قاجار، پهلوی

* استادیار تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسؤول) khazaei@hum.ikiu.ac.ir

مقدمه

و حتی صورت‌بندی باورها به شمار می‌آید.^۱ نگارنده در اینجا با دیگر معانی و تعریف‌های ساختار کاری ندارد و هر جا سخن از ساختار می‌رود همین معنا و مفهوم افاده می‌شود.

از سویی، راقم این سطور برای توصیف و تحلیل ساختار زندان مدرن از مفاهیم گافمنی استمداد گرفته است. اروینگ گافمن (Erving Goffman)، جامعه‌شناس کانادایی و عضو مکتب شیکاگو، دربارهٔ فضاهایی با نام «نهاد تام» (Total Institution) صحبت کرده است. پژوهش او با عنوان تیمارستان (Asylums)، بیماران روانی را بررسی می‌کند (Smith, 2006, p:69). نهاد تام همچون تیمارستان و زندان جایی است که مردم از روی میل یا به اجبار، کنترل زندگی خود را در اختیار کارمندان رسمی آن نهاد قرار می‌دهند. آنها در این نهادها ساکن می‌شوند و اعمال روزانه از قبیل خوردن، خوابیدن و... خود را در حضور دیگران انجام می‌دهند. از ویژگی‌های مشترک این نهادها این است که همگی موانعی نظیر درهای بسته، دیوارهای بلند و پرتگاه را بر سر راه کنش متقابل قرار می‌دهند (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۶۵۸ و ۶۵۹).

زندان آن هم از نوع مدرن آن یکی از نهادهای تامی است که شاید بیش از نهادهای مشابه، نظم و قواعد پیش‌بینی شده در آن تحمیل می‌شود. حال خواست پژوهش حاضر این است که از ساختار دو زندان انبار و قصر پژوهشی ارائه کند و عناصر ساختاری و هستی‌بخش هریک را مشخص کند. با روشن شدن ساختار هریک از این دو زندان، این امکان وجود دارد که تمایزها و به احتمال تشابه‌های آنها را ارزیابی کرد؛ همچنین با شناخت از ساختار هریک از این زندان‌ها، شاید موفق شویم نوع کنش‌ها و غیبت و حضور آنها را ادراک کنیم. در ضمن باید یادآور شد کتاب راقم این

هر جامعه به طور عام و هر نهاد به طور خاص دارای ساختاری است که خود این ساختارها هم از شماری ساختارهای کوچک‌تر تشکیل شده‌اند. همان‌طور که عالمان علم اجتماع تصریح کرده‌اند برای تشریح هر نهاد، تحلیلی از ساختار آن الزامی است. در علوم اجتماعی و در نزد اندیشه‌ورزان مختلف، اصطلاح ساختار (structure) در معانی متفاوتی به کار رفته است. مارکس (Karl Marx)، دورکیم (Émile Durkheim) و زیمل (Georg Simmel) از بنیان‌گذاران برجسته تحلیل ساختاری به شمار می‌آیند. در قرن بیستم سوسور (Ferdinand de Saussure)، آلتوسر (Louis Althusser)، استراوس (Claude Lévi Strauss) و بسیاری دیگر، از ساختار در ساحت‌های گوناگون، تعریف‌ها و تحلیل‌های نوینی ارائه کرده‌اند.

بیشتر گفته می‌شود ارائه تعریفی از ساختارگرایی امری دشوار است؛ زیرا ساختارگرایی به طور روزافزونی دلالت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد و به سختی ممکن است به وجه مشترکی میان آنها دست یافت (Piaget, 1968: 5). به نظر ما این امکان وجود دارد که ساختارها را عناصر کم‌وبیش پایداری قلمداد کرد که باعث شکل‌گیری کنش‌های انسانی می‌شوند.

یکی از معانی ساختار ناظر به کاربرد این واژه در معماری است. نکتهٔ جالب اینکه واژه (Structura) در ریشه لغت لاتین به معنای چارچوب یک بنا یا ساختمان بوده است؛ شالوده‌ای که با آن می‌توان عناصری را قرار داد و این چارچوب تعیین‌کنندهٔ پیوندهای درونی عناصر یا اجزاست (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۷). بنابراین در روش ساختارگرایی این نگرش را که انسان‌ها سازنده و موجد تاریخ به شمار آیند، به چالش می‌طلبند و ساختارها تعیین‌کنندهٔ اصلی کنش‌های بشری

در دوران باستان از قلعه‌ها، زیرزمین‌های قصرها، چاه‌ها و... در حکم مکان حبس استفاده می‌شد؛ به طوری که خسرو پرویز در یکی از حجره‌های کاخی زندانی شد (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۳۷). زندانی را با غل و زنجیر به قعر چاه‌های متروک یا چاه‌های تازه حفر شده می‌افکندند و روزانه غذای مختصری به او می‌دادند. زندانی در ته چاه دچار انواع بیماری‌ها می‌شد و به علت مدفوع‌های انسانی، گرم‌های ریز گوشت بدن او را می‌خوردند. نبود نور کافی و رطوبت درون چاه موجب ناینیایی و نیز روماتیسم مفاصل می‌شد. همین‌طور قلعه که در دوره ساسانی کاربری زندان نیز داشت و قلعه‌ای به نام فراموشی مشهورترین زندان در تاریخ ایران باستان است.

در دوره خلفای اموی و عباسی، زندان‌های بسیاری برای حبس و شکنجه مخالفان ایجاد شد. در سال ۱۴۴/۷۶۱م، منصور خلیفه عباسی دوازده تن از فرزندان حسین بن علی بن ابی طالب را از مدینه به کوفه انتقال داد^۳ و آنها را در زندانی تنگ محبوس کرد؛ به طوری که جایی برای نشستن آنها نبود و برای قضای حاجت اجازه جابه‌جایی نداشتند. در این محبس، منفذی برای ورود هوای آزاد وجود نداشت و بوهای متعفن از آنجا خارج نمی‌شد. افراد مذکور در این وضعیت بودند تا همگی درگذشتند (ابن‌العبری، ۱۳۷۷: ۱۶۷ و ۱۶۸). به‌علاوه در جاهایی مثل دارالخلافه، دارالوزیر و برخی دیوان‌ها محل‌هایی برای حبس مخالفان تعبیه شده بود. به‌منظور مراقبت بیشتر از برخی افراد، آنها را در خانه برخی وزراء و امیران زندانی می‌کردند؛ چنانکه امام‌موسی‌کاظم را در خانه سندی‌بن‌شاهک زندانی کردند (یعقوبی، ۱۳۶۶: ۴۱۹).

اما قلعه‌ها زندان اصلی و عمده برای زندانیان سیاسی بودند. در یک تقسیم‌بندی، قلعه‌ها را می‌توان به

سطور، یعنی فرایند ساخت‌یابی نهاد زندان، مبحثی تحلیلی درباره ساختار زندان عصر قاجار و پهلوی ارائه کرده که این پژوهش بر بنیاد بخش‌هایی از اثر مزبور به رشته تحریر درآمده است.

زندان یا سیاه‌چال‌های پیشامدرن

به‌منظور فهم ساختار زندان پیشامدرن، شناخت ساختار سیاسی پیشامدرن هم ضروری است. ساختار سیاسی ایران پیشامدرن را به تسامح می‌توان استبداد فردی تلقی کرد. در این ساختار سیاسی پادشاهان ایران هر سه قدرت تقنینی، اجرایی و قضایی را در اختیار خود داشتند؛ چنانکه فرمان‌های کسانی همچون داریوش و شاه عباس اول قانون بود و به دست خود و زیردستانشان هم آن را اجرا می‌کردند و گه‌گاه بر مسند قضاوت نیز می‌نشستند. درواقع در اندیشه سیاسی پیشامدرن، فرمانروایان در نقش چوپانان انسان‌ها، از فرمانبرداران خود سرشتی والاتر داشتند (روسو، ۱۳۸۰: ۶۴).

زندان پیشامدرن متناظر با ساختار سیاسی پیشامدرن است که ساختاری ضد دموکراتیک دارد^۲ و از آنجایی که مردم باعنوان رعیت (گله) هیچ‌گونه حقوقی نداشتند، حبس آنها در سیاه‌چال نیز امری بدون اشکال بود. امپراتوری آشور دزدها، رشوه‌خواران، مالیات‌بگیران خطاکاران، خیانتکاران و اسیران خارجی را به زندان می‌انداخت. زندانیان اجنبی در میان آشوریان به کار انبارکردن غله و آردکردن گندم گمارده می‌شدند و زندانشان درست در کنار آسیاب‌ها قرار داشت. بعضی از اسرا در همان انبار غله زندانی می‌شدند. بیت‌کیلی واژه‌ای بابلی به معنای زندان بود و به مکان‌هایی گفته می‌شد که محل نگهداری بزهکاران، گناهکاران، جنایتکاران و... بود (موریس، ۱۳۹۰: ۴۲).

ساختار انبار تهران

استفاده از قلعه‌ها در حکم زندان، در تمام تاریخ ایران پس از اسلام نیز تداوم یافت و به‌سان دوران گذشته، از قلعه‌ها استفاده‌های متنوعی می‌شد. دو قلعه اردبیل^۵ و کلات از حیث کاربری که داشتند، در دوره قاجاریه در نقش زندان اهمیت بسیاری داشتند و بسیاری از زندانیان سیاسی در دو قلعه مذکور زندانی می‌شدند.

در قلعه‌های معروفی همچون اردبیل و کلات که بیشتر افرادی از خاندان قاجار و متهمان سیاسی محبوس می‌شدند، حمام وجود نداشت و ممکن بود رفت‌وآمد آنها به شهر برای استحمام، خود عاملی برای فرار آنها باشد. در دوره قاجار، باغ نیز کاربری زندان داشت. باغشاه اندکی پس از مشروطه به زندان مبدل شد و محل یادشده فقط محل نگهداری زندانیان سیاسی مهم بود و باغ نمازیه که دفتر پلیس جنوب ایران در آن واقع بود، به محل حبس زندانیان مخالف انگلیس تبدیل شده بود. حتی زندان تبریز، معروف به لیل‌آباد که پیشتر در دوره جنگ جهانی اول شرکتی آلمانی آن را برای کارخانه ریسندگی و قالی‌بافی احداث کرده بود، در دوره رضاشاه با تغییراتی به زندان مبدل شد (زنگنه، ۲۵۳۵: ۱۰۴).

اما به غیر از قلعه‌هایی که در بیرون از ساحت شهرها قرار داشتند، در درون شهرها هم زندان‌هایی وجود داشت که در دوره قاجاریه به زندان درون‌شهری «انبار» می‌گفتند. یکی از زندان‌های قدیمی تهران، زندانی به نام انبار شاهی بود که در زیر نقارخانه ارگ قرار داشت.^۶ در دوره قاجار، «انبار» معادل زندان و «انباری» معادل زندانی شد. صرف‌نظر از انبار تهران، به‌واسطه خاطرات مجدالاسلام کرمانی که مدتی در انبار مشهد زندانی بود، اطلاعات ما درباره انبار مشهد خوب است.^۷

قلعه‌های کوهستانی و جلگه‌ای تقسیم کرد. در قلعه‌های کوهستانی شاهد طرح‌ها و نقشه‌های هندسی و از پیش طراحی شده نیستیم؛ زیرا نقشه آنها متناسب با سطح صخره‌ها و قلعه‌ها شکل می‌گرفت و همان‌گونه که این صخره‌ها شکل و طرح مشخصی نداشتند قلعه‌های ساخته شده نیز چنین وضعیتی می‌یافتند. قلعه‌های کوهستانی از نظر مصالح و ساخت نیز تنوع بسیاری را نشان می‌دهند؛ درحالی که تعدادی از فضاها معماری در دل صخره کنده می‌شدند فضاها دیگر با مصالح متداول، به صورت آزاد بنا می‌شدند. به علت فراوانی مصالح سنگی در محل، مصالح استفاده شده در قلعه‌های کوهستانی به‌طور عمده از سنگ‌لاشه، قلوه‌سنگ و در مواقعی سنگ تراشیده و فرم گرفته بود که با ملات، ساروج، آهک و در جاهایی به صورت خشکه‌چین کار شده‌اند. دروازه اصلی قلعه‌ها به‌طور معمول در انتهای باریکه راه منتهی به قلعه قرار می‌گرفت و در دو طرف آن دو برج مستحکم دفاعی ساخته می‌شد. در فضای داخلی دروازه قلعه اتاق‌هایی برای نگهبانان در نظر گرفته می‌شد که به‌طور معمول روزنه‌هایی به بیرون قلعه داشت (ملازاده، ۱۳۸۵: ۱۷).

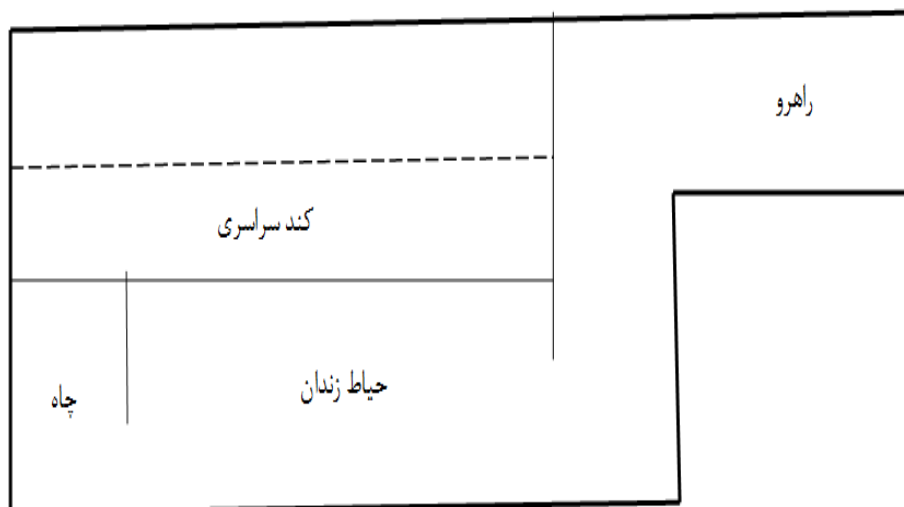
در ساخت قلعه‌های جلگه‌ای، به تپه‌های طبیعی و مصنوعی و بلندی‌ها به علت اشراف بر منطقه‌های پیرامون و توان دفاعی بیشتر توجه می‌شد. قلعه‌های جلگه‌ای به‌طور معمول براساس طرح و نقشه از پیش طراحی شده و شکل هندسی ساخته می‌شد. در قلعه‌های جلگه‌ای، خندق و برج و بارو عنصر اصلی و دفاعی را تشکیل می‌داد (ملازاده، ۱۳۸۵: ۱۷ و ۱۸).

برخی از قلعه‌هایی که به‌منزله زندان سیاسی اشتهار داشتند عبارت بودند از قلعه سعیدآباد یا اسفیدبند در دارابگرد فارس،^۸ قلعه نای زندان سیاسی دوره غزنویان و قلعه قهقهه زندان سیاسی دوره صفویه.

طاق نماها منتقل می‌کردند. در طول تالار عقب تیری سرتاسری به زمین نصب شده بود و حلقه‌های آهنین محکمی در فواصل داشت. زندانیان پس از صرف شام و رفع حاجت، در دو طرف این تیر چوبی ثابت بر روی زمین طوری مقابل یکدیگر دراز می‌کشیدند که پای آنها روی تیر وسط قرار می‌گرفت؛ چون همه زندانیان به این وضع دراز می‌کشیدند زندانبان وضع را بررسی می‌کرد. در حلقه‌های نصب‌شده تیر وسط، میله‌ای آهنین قرار می‌گرفت و پاها در کند سرتاسری قفل می‌شد. با وجود اینکه پاهای زندانیان در کند بسته می‌شد، برای احتیاط، سر زنجیرهای زندانیان در بالای سرشان به دیوار در میخ‌طویله قفل و بست می‌شد. در قسمت حیاط جلو زندان اتاق سرپوشیده‌ای بود که در وسط آن چاهی عمیق حفر کرده بودند و زندانیان محکوم به اعدام را در سر این چاه سر می‌بردند و اجساد آنها را به چاه می‌انداختند (جودت، ۲۵۳۶: ۷ و ۶).

جودت براساس شرحی که گفته، شکل زندان را ترسیم کرده است:

برخلاف بیشتر نویسندگان که انبار را محل حبس زندانیان عادی دانسته‌اند، جودت آن را زندان سیاسی دوره قاجاریه تلقی کرده است. جودت موقعیت انبار تهران و ساختار آن را با ترسیم شکل نشان داده است. بنا به نوشته او، انبار در جنوب شرقی میدان ارک واقع بود؛ جایی که راهرو سرپوشیده و تاریکی به عرض چهار متر و طول پنجاه قدم داشت که به در کوچک انبار منتهی می‌شد. با ورود از درب انبار، حیاطی به عرض پنج متر و به طول تقریبی هشتاد متر در مقابل انسان خودنمایی می‌کرد. در قسمت جنوبی این حیاط باریک، طاق‌نمایی بود که کف آن از کف حیاط دو پله بالاتر بود. در طرف راست و چپ طاق‌نمای مذکور، میخ‌طویله‌های بزرگی به دیوار نصب بود. در پشت این طاق‌نماها، سالن سرپوشیده‌ای به عرض هشت متر و به طولی برابر حیاط اولیه قرار داشت که چندان روشن نبود و زندانیان را در این سالن بزرگ زندانی می‌کردند. وقتی هوا آفتابی بود زندانیان را با زنجیری که در گردن داشتند از تالار مذکور به این طاق‌نماهای جلو می‌آوردند و سر زنجیر آنها را به آن میخ‌طویله‌هایی قفل می‌کردند که در طاق‌نماها بود؛ به این ترتیب، زندانیان را برای هواخوری و آفتاب‌گیری به نوبت از تالار به



شکل ۱- ساختار انبار تهران

نداشتند؛ بنابراین با نبود دستشویی و حمام، می‌توان تصور کرد محل حبس زندانیان چگونه جایی بوده است.

فرایند گذار از انبار به قصر

از دوران قاجار، اندک‌اندک در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و حقوقی تغییراتی پیش آمد و مشروطیت برپایه آن تغییرات شکل گرفت. با صورت‌بندی ساختار نوین، رعیت پیشین در شأن نوین خود به ملت موسوم شد و در قانون اساسی، ملت دارای حقوقی انکارناپذیر شد؛ به طوری که آنها بودند که منبع مشروعیت‌بخش نظام سیاسی قلمداد می‌شدند. البته این تغییرات روند کندی داشت و پس از برقراری مشروطیت، همچنان از قلعه‌ها در حکم زندان استفاده می‌شد؛ ولی براساس مصوبه‌های دولتی در سال ۱۲۹۹ش/۱۹۲۰م، حبس در قلعه‌ها باید لغو می‌شد. با روی کار آمدن پهلوی اول، رویه حبس در قلعه‌ها کاهش یافت و زندانیان سیاسی را نه به قلعه‌ها یا انبارها بلکه به زندان‌های جدیدی روانه می‌کردند که به این منظور ساخته بودند. یکی از علت‌های حذف تدریجی قلعه‌ها در تمام کاربری‌هایی که داشتند این بود که حکومت پهلوی ساختار جامعه و شهرها را دگرگون کرد و در ساختار نوین، برای حفظ امنیت دیگر به خندق پیرامون شهر و قلعه‌ها نیازی نبود. از این رو به تدریج قلعه‌ها از ساحت شهرها و نقاط پیرامونی آن محو شدند (خزائی، ۱۳۹۶: ۱۰۸ و ۱۰۹).

در دوران پیشامشروطه‌ای، جزء آنچه کنت از خود به یادگار گذاشته بود، قوانینی برای مجازات تدوین نشده بود و این براساس عرف و شرع و تاحد بسیاری به میل و خواست حاکم بستگی داشت که چگونه و با چه شدتی با مجرم و محکوم برخورد کند. چنانکه در

دولت‌آبادی درباره انبار اظهار می‌کند: «انبار محبس قدیم دولت است که در دوره قاجاریه فجایع بسیار در آن واقع شده است و هرکس را می‌خواستند حبس او به مرگ منتهی شود در انبار محبوس می‌کردند» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۱: ۳۷۳). زنجیر زندانیان در انبار آن قدر سنگین بود که زندانی به زحمت می‌توانست وزن آن را تحمل کند. زندانیان در انبار طعمه انواع و اقسام حشرات موذی می‌شدند و در آنجا گرسنگی بیداد می‌کرد؛ زیرا جز تکه‌ای نان خالی و کوزه‌ای آب توشه دیگری به آنها داده نمی‌شد. ساکنان انبار برای رهایی کامل از چنین وضعیت فلاکت‌باری فقط در انتظار مرگ بودند. امید و انتظاری که بسیار زود محقق می‌شد (سرنا، ۱۳۶۲: ۱۲۵).

حاج سیاح که در ۱۶ رمضان ۱۳۰۸ق/۱۸۹۱م دستگیر شد، در انبار تهران زندانی شد و او را کندوزنجیر کردند. او در غذا خوردن امساک می‌ورزید تا مگر کمتر به قضای حاجت نیاز باشد؛ زیرا برای قضای حاجت می‌بایست زنجیر او را باز می‌کردند و بعد بیرون می‌رفت (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۳۵۹). فردی سرشناس همچون او را گاهی به حمام شهر می‌بردند؛ بنابراین برای این منظور، زندانی را همراه محافظ از زندان بیرون می‌بردند (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۳۷۰ و ۳۷۱).

آنچه مشخص است انبار تهران ساختاری بسیار ساده داشت و زندانیان در قسمت سرپوشیده و تاریکی در کندوزنجیر محبوس بودند. در واقع، تاریکی از جمله صفاتی است که همواره به زندان‌ها نسبت داده‌اند؛ زیرا زندان‌ها دخمه‌هایی تنگ و تاریک بود که زندانی از رؤیت نور خورشید و ماه محروم بود و گاهی تنها از روزنی با دنیای خارج ارتباط داشت و فضا به گونه‌ای طراحی شده بود که زندانیان مگر در ساعتی برای هواخوری در حیاط، امکان تحرک و جابه‌جایی

عرصه‌ها اقتصاد بود و شاید با اقتصاد سنتی، امکان تأمین هزینه‌های سرسام‌آور نهادهایی مثل زندان متصور نبود. از هنگامی که نخستین چاه نفت در مسجدسلیمان کشف شد، یکی از منابع مالی دولت پدید آمد. زندان مدرن بدون تأمین اعتبار و تخصیص بودجه کافی تصورکردنی نیست. اگر قرار است زندانی ساخته شود می‌بایست هزینه‌های خرید زمین، مصالح ساختمانی، دستمزد معماران و... پرداخت شود. پس از آنکه زندان آماده بهره‌برداری شد و زندانیان در آن جای گرفتند می‌بایست سالانه بودجه‌ای برای نگهداری زندانیان اختصاص داده شود. این بودجه صرف هزینه‌هایی همچون خرید لباس، غذا، دارو و... می‌شود. در سیاه‌چال‌های پیشین بسیاری از این هزینه‌ها به‌طور کلی موضوعیت نداشت؛ زیرا آن سیاه‌چال‌ها مشتمل بر محوطه‌ای بودند که تمام زندانیان در یک جا حبس می‌شدند؛ اما زندان نوین از ساختاری پیچیده متشکل بود و برای ساختمان آن هزینه‌های هنگفتی نیاز بود.

برای مثال در جلسه ۳۰ شهریور ۱۳۱۰ش/۱۹۳۱م، مجلس شورای ملی ماده‌واحد‌ای تصویب کرد که براساس آن، سی و پنج هزار تومان اضافه اعتبار برای ساخت ده زندان در ولایت‌ها در نظر گرفته شد (اطلاعات، س ۶، ش ۱۴۲۱، ۳ شهریور ۱۳۱۰: ۲). شاهد دیگر اینکه در سال ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م مبلغ چهار هزار ریال اعانه برای زندانیان ارگ کریم‌خانی پرداخت شد. این مبلغ برای خرید پارچه پیراهن و زیرشلوار، لحاف، حصیر، آفتابه حلب و... برای ۱۵۶ زندانی صرف شد (سازمان اسناد ملی، سند شماره ۳۵۰۰۰۶۷۲۴).

به این ترتیب معلوم می‌شود فرایند گذار از انبار به زندان مدرنی همچون قصر، متضمن تغییر و تحولات در عرصه‌های دیگر بوده است و در این دوران، به تدریج این تغییرات حادث شد و با تغییر ساختار سیاسی و حقوقی، زندان هم دستخوش تغییر شد.

چنین نظامی، مجرمان خطرناک این امکان را داشتند که عفو شوند و افراد بی‌گناه نیز تعقیب و شکنجه می‌شدند؛ اما با شکل‌گیری مشروطه، در جامعه شعار قانون بر سر زبان‌ها افتاد و قانون اساسی در حکم میثاق ملت و حکومت مبنای عمل سیاسی قرار گرفت. درحالی‌که پیشتر بین جرم و مجازات تناسبی وجود نداشت در دوره مشروطه، قانون جدید می‌بایست این نقیصه را پر می‌کرد. در متمم قانون اساسی و در اصل دهم آن آمده بود: «غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده، هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد؛ مگر به حکم کتبی رئیس محکمه عدلیه براساس قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر بلافاصله یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود». در اصل دوازدهم متمم قانون اساسی نیز آمده بود: «حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود مگر به حکم قانون» (مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت، ۱۳۸۸: ۴).

درواقع اینکه با صدور فرمان مشروطیت و تدوین قانون اساسی، زندان‌ها به یک‌باره دگرگون شوند انتظار و توقع درستی نبود و در عرصه عمل، این تغییرات با حرکت بسیار کندی پیش می‌رفت. نظام سیاسی استبدادی به مشروطیت مبدل شده بود؛ اما بسیاری از رویه‌های پیشین کماکان تداوم داشت؛ برای مثال در اوان مشروطیت، در کرمانشاه عدلیه و محاکم دیگر وجود نداشت و والی خود دستور حبس و آزادی مجرمان را صادر می‌کرد. گاه با وساطت یک فرد و گاه با دادن وجهی در حکم رشوه، زندانیان از حبس رهایی می‌یافتند؛ و گرنه ممکن بود تا مدتی طولانی در زندان باقی بمانند (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۸۹).

برای به سامان رسیدن تغییر و تحولاتی که در آیین‌نامه‌ها و قانون‌ها پیشنهاد شده بود، تحول در عرصه‌های دیگر نیز ضرورت داشت. یکی از این

ساختار زندان قصر

زندان قصر معروف‌ترین زندان دوره پهلوی اول بود^۸ که به‌طور عمده، به علت حبس زندانیان سیاسی شهرت داشت. همان‌طور که از نام زندان پیداست این محل در ابتدا کاخ سلطنتی بود. در سال ۱۲۱۳ق/۱۷۹۹م، فتحعلی‌شاه قاجار به منظور ساخت قصری، قطعه زمینی را در نیم فرسنگی تهران در نظر گرفت (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۰۱ و ۱۰۳). تمام این قصر به نام «قصر قاجار» از آجر پخته ساخته شد و در پیرامون آن باغ بسیار بزرگی از درختان سرو و چنار وجود داشت. از آنجایی که زندان‌های دوره قاجار گنجایش زندانیان سیاسی را نداشت رضاشاه دستور ساخت زندان جدیدی را صادر کرد (طبری، ۱۳۸۲: ۵۳). در ابتدای امر، پیشنهادهایی به مقام‌های مربوط ارسال و تقاضا کردند محل مناسبی از مکان‌های دولتی خارج شهر^۹ را که خوش آب‌وهوا نیز باشد برای زندان محکومان اختصاص دهند (پلیس، ۱۳۰۶: ۸۱۵). به این منظور، معماران و مهندسان نقشه‌های خود را به نظمی ارسال کردند و در نهایت پس از بررسی‌های صورت گرفته، در اسفند ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م نقشه مارکف (Nikolai Markov) پذیرفته شد (اسنادی از زندان و زندانیان در عصر پهلوی، ۱۳۸۴: ۲۶۲).

مارکف^{۱۰} ساخت زندان را در اراضی قصر قاجار سابق شروع کرد و پس از قریب به دو سال آن را به اتمام رساند. در طرح زندان قصر، با وجود عملکردی متفاوت، مارکف شیوه‌های به‌کارگرفته‌شده در سایر بناهای اداری و مسکونی را به کار بست. برج بلند مشابه با برج ورودی ورزشگاه امجدیه، ایوان‌های مشابه با ایوان خانه‌های مسکونی کارخانه قند و ورامین و پنجره‌هایی با قوس تیز که مکرر در زندان قصر به کار رفته‌اند از ویژگی‌های معماری زندان قصر است (دانیلی، ۱۳۸۲: ۹۲).

زندان قصر به هنگام افتتاح در ۱۱ آذرماه ۱۳۰۸/۱۹۲۹م، گنجایش ۸۰۰ زندانی را داشت و براساس مراجع رسمی علاوه بر باغ عمومی، حمام، مریض‌خانه عمومی و مریض‌خانه مخصوص امراض مسری تعداد بسیاری سلول نیز داشت (اطلاعات، ۱۳۰۸: ۳). در چهار سوی زندان چهار برج وجود داشت. در این برج‌ها نگهبانان مسلح مشغول کشیک بودند و شب‌ها با نورافکن دورتادور زندان را مراقبت می‌کردند. باغ بزرگ زندان قصر دور ساختمان اصلی زندان را احاطه کرده بود و دور باغ دیوارهای بلند زندان کشیده شده بود که آن را از خارج جدا می‌کرد (جهانشاه‌لو افشار، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

زندان قصر از بخش‌های مختلفی تشکیل شده بود که به‌طور کامل آن را از زندان‌های گذشته متمایز می‌کرد و اینک عناصر تشکیل‌دهنده زندان قصر:

سلول

در زندان مدرن برای نگهداری محکومان و متهمان اتاق‌هایی تعبیه شده بود که زندانیان را برحسب عوامل مختلف در آن ساکن می‌کردند. در سیاه‌چال‌های پیشین چنین اتاق‌هایی تعریف نشده بود و درواقع، زندانیان را داخل محوطه‌ای سرپوشیده و وسیع کنار هم قرار می‌دادند؛ اما در زندان مدرن هر بند متشکل از چندین سلول بود که در این بندها و سلول‌ها زندانیان را برحسب متغیرهایی مانند نوع جرم (عادی یا سیاسی)، سن افراد، وضعیت حقوقی فرد (متهم یا مجرم) یا متغیرهای دیگر تقسیم‌بندی می‌کردند. این سلول‌ها یا مانع ارتباط و تعامل زندانیان با یکدیگر می‌شدند یا آن را محدود می‌کردند. این جداسازی مزیت‌های فراوانی داشت: از جمله اینکه در صورتی که فردی به بیماری مسری مبتلا بود از سرایت بیماری به دیگران اجتناب

هراز چندگاهی داخل سلول را مشاهده و اقدامات خلاف مقررات زندانیان را گزارش کنند (علوی، پنجاه و سه نفر، ۱۳۵۷: ۵۶؛ پیشه‌وری، ۱۳۸۴: ۹۳؛ خامه‌ای، ۱۳۶۲: ۱۲۳).

زندانیان نیز هنگامی که در سلول خود کارهای خلاف مقررات انجام می‌دادند همواره در حین انجام کار یک چشم خود را به سوراخ درب سلول می‌دوختند تا با آمدن پاسبان خود را جمع‌وجور و وسایل ممنوعه نظیر شطرنج و کاغذ را پنهان کنند.

کریدور (بند)

کریدور یا بند از دیگر قسمت‌های مهم زندان نوین بود و سلول‌های انفرادی و سالن‌های بزرگ عمومی را شامل می‌شد. از عمده‌ترین کارویژه‌های کریدور جداسازی زندانیان مختلف از یکدیگر بود. هر کریدور با شماره مخصوص به خود، جایگاه زندانیان ویژه‌ای بود. زندان قصر از چهار کریدور بزرگ و پنج کریدور کوچک تشکیل شده بود. کریدور یا بندهای بزرگ قصر شامل یک، پنج، شش و نه به صورت مربعی در وسط محوطه زندان قرار داشت. سلول‌های این بندها بزرگ بود و هریک گنجایش ده تا بیست نفر را داشت. در بندهای یادشده راهزنان، قاتلان و اختلاس‌کنندگان جای داشتند و زندانیان سیاسی در این بندها سکونت نداشتند. در زندان‌های پیشین به علت نبود کریدور گاه زندانیان مختلف را کنار یکدیگر حبس می‌کردند و این نداشتن تناسب و تجانس زندانیان در یک مکان، خود اسباب ستیز و نقار میان زندانیان را فراهم می‌کرد (کمره‌ای، ۱۳۸۴: ۱/۲۵).

شیوع بیماری در زندان نیز، با جمعیت زندانی‌ها و گنجایش کریدورها ارتباط تنگاتنگی داشت؛ به طوری که منابع تصریح کرده‌اند در سال‌های اولیه، بیشتر

می‌شد؛ دیگر اینکه حبس در سلول‌ها از همکاری زندانیان با یکدیگر به منظور فرار از زندان، شورش و... ممانعت به عمل می‌آورد؛ از سوی دیگر این ساختار برای تنظیم روابط جمعی و نظم و انضباط مهم بود. به قول فوکو انضباط با ساماندهی «سلول‌ها» و «مکان‌ها» و «ردیف‌ها»، هم از لحاظ معماری و هم کارکردی، مکان‌های درهم‌بافته‌ای می‌سازند و همین مکان‌ها هستند که استقرار در جایی را امکان‌پذیر می‌کنند و جای‌گیری افراد در مکان‌ها و توزیع آنها در جای معین، اطاعت و انقیاد آنها را تضمین می‌کند (Foucault, 2004: 149).

در زندان، هر سلول شماره خاصی داشت و زندانی تازه‌وارد را با شماره سلولش می‌شناختند؛ برای مثال نصرت‌الدوله در زندان قصر در سلول شماره ۱۲۷ حبس بود (نصرت‌الدوله، ۱۳۷۵: ۴۱). بنابراین شماره‌گذاری سلول‌ها یکی از علائم تشخیص و تمایز زندانیان از یکدیگر بود. مساحت هر سلول به‌طور عادی یک متر و نیم در دو متر و نیم بود و درون هر سلول برای هر زندانی یک تختخواب قرار داده بودند که به‌طور تقریبی نیمی از فضای آن را اشغال می‌کرد. کف سیمانی سلول نیز با زیلویی مفروش می‌شد و هر سلول گنجایش سه زندانی را داشت. در سلول‌های زندان قصر پنجره‌هایی تعبیه شده بود که ابتدا در قسمت پایین‌تری قرار داشت. هنگامی که رضاشاه از زندان دیدار کرد دستور داد پنجره‌های سلول‌ها را در قسمت بالاتری قرار دهند تا زندانیان نتوانند به تماشای حیاط مشغول شوند و به این ترتیب، خود را در محیط بسته‌تر سلول احساس کنند (طبری، ۱۳۸۲: ۵۳).

در درب هر سلول سوراخی به شکل لوزی تعبیه شده بود که این سوراخ فقط از بیرون بازوبسته می‌شد. این سوراخ به نگهبانان این امکان را می‌داد که

سارقان محکوم به حبس‌های کوتاه‌مدت زندانی بودند (طبری، ۱۳۸۲: ۵۳؛ علوی، ورق‌پاره‌های زندان، ۱۳۵۷: ۷۴).

گنجایش هر بند معمولی پنجاه تا شصت نفر بود و زندانیان برای برقراری ارتباط با سایر بندها با مشکلات بسیاری مواجه می‌شدند. برای وصول به کربدورهای دیگر می‌بایست از چند در آهنی قفل‌شده گذشت که کلید آنها در دست پاسبانان بود و اجازه بازکردن آن کلیدها با سرپاسبان و گاهی با صاحب‌منصب کشیک یا مدیر زندان بود. زندانیان برای رفتن به کربدور دیگر، باید اجازه مخصوصی از مسئولان می‌داشتند. هفته‌ای یک مرتبه که زندانیان سیاسی به حمام می‌رفتند از وسط کربدور می‌گذشتند و برای زندانیان این اتفاق مهمی تلقی می‌شد.

اتاق ملاقات

در ساختار زندان مدرن، اتاق یا اتاق‌هایی تعبیه شده بود تا زندانی در آن با اعضای خانواده و بستگان خود ملاقات و گفت‌وگو کند. با پدیداری مشروطیت در ایران، به زندانیان حق ملاقات اعطا شد. محتمل است پیش از آن هم برخی زندانیان با کسان خود ملاقات‌هایی داشته‌اند؛ اما برای آنها این حق به شمار نمی‌آمد و زندانی هم این امکان را نداشت که به اجازه‌ندادن مسئولان زندان در دادن ملاقات اعتراضی کند.

خانواده‌هایی که به‌منظور ملاقات به زندان می‌آمدند می‌بایست دارای ورقه ورودی به زندان بودند (علوی، ورق‌پاره‌های زندان، ۱۳۵۷: ۴۹). در روز ملاقات نیز برای زندانی برگه‌ای ارسال می‌شد که این برگه در چندین دفتر ثبت می‌شد و به‌منزله جواز عبور زندانی از کربدورهای زندان بود (علوی، پنجاه‌وسه نفر، ۱۳۵۷: ۱۰۹).

کربدورهای زندان قصر خالی از سکنه بود. یوسف افتخاری و دوستش، رحیم همداد، که در شمار نخستین زندانیان سیاسی قصر بودند به‌تنهایی یک کربدور با حیاط آن را در اختیار داشتند و در حیاط کربدور باغبانی می‌کردند؛ اما با افزایش زندانی‌ها، بیماری تیفوس در زندان شیوع یافت و بسیاری را در کام خود گرفت (افتخاری، ۱۳۷۰: ۴۵ تا ۴۷).

در چهار گوشه بندهای بزرگ قصر، چهار هشتی قرار داشت. هشتی عبارت بود از دایره‌ای که در بندها به آن باز می‌شد و قرارگاه نگهبانان این بندها بود. در زندان قصر، داخل بندها نگهبان وجود نداشت و فقط یک نظافتچی مأمور جاروکردن بند و شاید گزارش وقایع روزانه داخل بند بود (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۱۳۰ و ۱۳۱؛ آزاد، ۱۳۵۱: ۵۸ و ۵۹). هشتی نخست که در ورودی به داخل زندان و در بندهای یک و نه به آن باز می‌شد محل بازرسی و تفتیش زندانیان بود و اتاق ریاست زندان نیز در آنجا قرار داشت.

از هشتی دوم غیر از بندهای بزرگ یک و پنج، سه بند کوچک دو و سه و چهار منشعب می‌شد که بند سه محل بیمارستان زندان و بند دو و چهار مخصوص زندانیان سیاسی بود. در هشتی سوم غیر از بندهای پنج و شش فقط آشپزخانه قرار داشت و از هشتی چهارم غیر از بندهای بزرگ شش و نه، دو بند کوچک هفت و هشت منشعب می‌شد که آن دو نیز مخصوص زندانیان سیاسی بود. به‌این ترتیب بندهای دو، چهار، هفت و هشت مقرر زندانیان سیاسی بود. سلول‌های این بندها به‌طور تقریبی ۲×۳ بود و در هرکدام دو یا سه نفر ساکن بودند (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۱۳۱).

بند هفت زندان قصر ویژه زندانیان کمونیست بود و در مجاورت این بند، خان‌های قشقای و بختیاری محبوس بودند. در بند نه اختلاس‌کنندگان و در بند یک

از بین رفته بود. سلطانی در جایگاه یک زندانی گرد تصریح می‌کند تمام کردها ملاقاتی نداشتند. کردها و لرها در منطقه خود آنقدر ستم‌دیده و منزوی بودند که فقط اجازه داشتند ماهی یک‌بار نامه یا پیغامی ارسال کنند (سلطانی، ۱۳۸۰: ۴۴ و ۲۲۲).

آنچه پیش از این درباره ملاقات زندانیان در دوره مشروطه گفته شد نشان‌دهنده آن است که ملاقات زندانی با افراد خانواده و بستگان خود آشکارا و به‌صورت حضوری صورت می‌گرفت و دو طرف اجازه داشتند با یکدیگر تماس بدنی برقرار کنند و از یکدیگر دلجویی کنند. به نظر می‌رسد با حضور نظمیه ایران در کنگره‌های بین‌المللی پلیس و زندان، تکنیک‌های نوین فرا گرفته شد و در نهادهای مرتبط استفاده شد؛ باوجود این در سال‌های نخست دوره پهلوی این تغییرات حادث نشده بود. بنابه‌نوشته پیشه‌وری، مسئولان امر در اداره زندان و اداره سیاسی، به خواست و میل خود در باب ملاقات‌ها نظر می‌دادند و عمل می‌کردند؛ چنانکه در سال ۱۳۰۹ش/۱۹۳۰م که سال نخست حبس او بود می‌گفتند زندانیان سیاسی باید در اداره سیاسی و در حضور بازپرس آن اداره با بستگان و خانواده خود ملاقات کنند و زندانیان به این روند معترض بودند.

در میان زندانیان سیاسی تنها پیشه‌وری و طبری هوشمندانه به تغییر وضعیت و فضای درونی اتاق ملاقات اشاره کرده‌اند. در این باب، پیشه‌وری با تفصیل بیشتری سخن گفته است. بنابه‌نوشته او، اداره زندان نمی‌خواست هر هفته زندانیان سیاسی، به‌ویژه زندانیان فقیر را از زندان به اداره سیاسی منتقل کند. در ابتدا ملاقات‌های زندانیان، حتی در اداره سیاسی، آزادانه‌تر بود. برخی مواقع هم ملاقات‌ها در خارج از محوطه اصلی زندان قصر، در درون باغ زندان و با حضور یک نگهبان، انجام می‌گرفت (پیشه‌وری، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

فردی که برای ملاقات با زندانی قصد ورود به زندان را داشت در کنار در ورودی زندان تفتیش می‌شد تا مبادا در ملاقات، به‌طور مخفیانه به زندانی بسته‌ای بدهد. بسیار بعید بود هنگام ملاقات خبری از بیرون به زندانی برسد؛ زیرا مأموران از هر حیث زندانیان، به‌ویژه زندانیان سیاسی را زیر نظر داشتند؛ اما باوجود این، گاه اخباری به آنها می‌رسید (آوانسیان، ۱۳۵۸: ۴۵ و ۴۶).

در دوره رضاشاه نیز هر هفته دو روز برای ملاقات زندانیان در نظر گرفته شده بود؛ یک روز برای زندانیان غیرسیاسی و یک روز برای زندانیان سیاسی. از این رو، زندانیان دو روز یادشده را به‌شوخی «یوم‌الملاقات» نامیده بودند. روز پیش از ملاقات، اداره زندان وسایل صورت‌تراشی زندانیان را که در انبار بود در اختیار آنها قرار می‌داد که زندانیان آن روز را «یوم‌التراش» نام‌گذاری کرده بودند (جهانشاه‌لو افشار، ۱۳۸۰: ۹۶).

باید توجه کرد ملاقات یکی از راه‌های ارتباط زندانی با دنیای خارج است و در این تعامل، باید نقش خانواده زندانیان را تحلیل کرد. در این ارتباط، یکی از مسائل اساسی فاصله زندان با محل سکونت خانواده زندانی بود. در آیین‌نامه‌های این دوره، حبس زندانیان در محلی نزدیک به محل سکونتشان گنجانده نشده بود؛^{۱۱} از این رو خانواده‌های زندانیان می‌بایست از راه‌های دور و نزدیک برای ملاقات بستگان خود می‌آمدند که با وسایل و امکانات آن روزگار این امر برای هرکسی مقدور و میسر نبود. بسیاری از زندانیان سیاسی از نقاط مختلف کشور به تهران جلب شده بودند و به‌طور طبیعی، خانواده‌های آنها این امکان را نداشتند از حق ملاقات خود استفاده کنند. کردها و لرها با دوری از خانه و کاشانه خود، در تبعید تهران به سر می‌بردند و ارتباط آنها با خانواده و ایلشان منقطع شده بود و با دوری مسافت، امکان ملاقات خودبه‌خود

دایرهٔ صحنه چند دکتر با تخصص‌های متفاوت داشت. برای آنکه بیمارستان زندان کارآیی لازم را داشته باشد می‌بایست وسایل ضروری آن تأمین می‌شد و برای این منظور، نظمی از وزارت داخله منابع مالی آن را تأمین می‌کرد. زمانی که بیماری زندانی تشخیص داده می‌شد، گزارشی نوشته می‌شد تا براساس آن، بیمار از سلولش به بیمارستان منتقل شود.

کارگاه

کارگاه یا به‌قول منابع کارخانه، یکی دیگر از اجزای زندان مدرن بود که با ایجاد آن در محوطه زندان، زندانیان می‌توانستند خود را به کاری مشغول کنند و از بیکاری که منشاء بسیاری از بزهکاری‌هاست، مصون بمانند. براساس قانون مقرر شده بود تنها زندانیان عادی در کارگاه‌ها اشتغال یابند و بابت آن دستمزد دریافت کنند.

پس از تأسیس زندان قصر، در آن کارگاه‌های مختلفی از قبیل نجاری، کفاشی، خیاطی، جوراب بافی و... ایجاد شد. بیشتر دزدان در این کارگاه‌ها مشغول به کار بودند. کسانی که در کارخانه کار می‌کردند ده درصد پولشان را نگه می‌داشتند تا اگر روزی از زندان آزاد شدند، خرجی داشته باشند (طبری، بی‌تا: ۴۹).

در کارگاه زندان مواد اولیه از قبیل چوب، عاج، نقره و... برای کارهایی همچون خاتم‌کاری و ظریف‌کاری وجود داشت. کالاهایی را که زندانیان تولید می‌کردند ادارهٔ زندان به فروش می‌رساند و در مواقع برگزاری نمایشگاه‌های دائمی ایران،^{۱۳} غرفه‌ای هم به کالاهای زندانیان اختصاص داده می‌شد؛ برای مثال در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م در نمایشگاه مذکور، تالاری به کارهای دستی زندانیان تهران و شهرستان‌ها اختصاص یافته بود. در این تالار انواع تابلوهای نقاشی، فرش‌های

اما به تدریج شرایط ملاقات‌ها سخت‌تر شد و هر نگهبان مقررات جدیدی وضع می‌کرد و ملاقات‌ها از باغ به پشت در داخلی زندان کشیده شد و مدتی بعد هم، در درون اتاق ملاقات نرده‌های آهنین ایجاد شد که به‌واسطهٔ فاصلهٔ دور، صدای ملاقاتی‌ها به‌زحمت به گوش می‌رسید. ازسوی دیگر در ملاقات‌ها، افراد به‌سختی قادر بودند از پشت دو شبکهٔ آهنی بستگان خود را بشناسند (پیشه‌وری، ۱۳۸۴: ۱۰۴ و ۱۰۵). احسان طبری نیز به این تغییرات توجه کرده است. او نیز انجام ملاقات‌ها را تا پیش از ایجاد شبکه‌های سیمی در اتاق ملاقات، تا اندازه‌ای آزادانه‌تر دانسته است.

بیمارستان

یکی دیگر از اجزای زندان مدرن بیمارستان بود. وجود بیمارستان در درون زندان نشان‌دهندهٔ حقوق داشتن افراد در این نهاد است. درواقع، زندان مدرن ترکیبی از نهادهای مختلف بود که در پیوند با هم، نهادی باعنوان زندان شکل می‌گرفت. از دوران درگاهی، ایجاد شعبه‌ای از صحنه^{۱۴} در زندان برای مداوای بیماران در دستور کار قرار گرفت. در آیین‌نامهٔ سال ۱۳۰۷ش/۱۹۲۸م، مواد ۲۳ تا ۲۵ به مریض‌خانه و بیماران اختصاص یافته بود. مریض‌خانهٔ زندان قصر از شش اتاق شش نفری و شش اتاق یک نفری تشکیل شده بود (اطلاعات، ش ۸۹۸: ۳). در حیاط مریض‌خانهٔ زندان قصر دری وجود داشت که از آنجا متوفیان زندان را با آمبولانس به قبرستان می‌بردند. این در به «علیم‌الدوله» شهرت داشت؛ زیرا بنیان‌گذار بیمارستان زندان محمودخان ثقفی، ملقب به علیم‌الدوله، بود. در مذکور تنها هنگامی باز می‌شد که می‌خواستند از آنجا مرده‌ای را به قبرستان ببرند (طبری، بی‌تا: ۱۴۴ و ۱۴۵؛ جهانشاهلو افشار، ۱۳۸۰: ۵۲؛ آوانسیان، ۱۳۵۸: ۲۵ و ۲۶).

زندانیان از حیث مصرف و استحمام، به‌ویژه در تابستان، در مضیقه بودند (اسنادی از زندان و زندانیان در عصر پهلوی، ۱۳۸۴: ۲۹۶). آب زندان قصر در آن موقع لوله‌کشی نبود و از چشمه یا کاریز مستقیم به زندان می‌آمد (جهانشاه‌لو افشار، ۱۳۸۰: ۹۵). حمام‌های زندان قصر دو شیر آب سرد و گرم داشت (طبری، بی‌تا: ۱۲۵).

استحمام برای زندانیان و نحوه زیست آنها در زندان اهمیت بسیار داشت و در حیات و مرگ آنها تأثیرگذار بود. از این رو هنگامی که زندانیان برای حمام آماده می‌شدند این گونه به نظر می‌رسید که برای عزیمت به مراسم جشن مهیا می‌شوند.

پیش‌تر بیان شد ساختار قصر ساختاری مدرن و دارای گسست از انبارها بود. حال آبراهامیان درباره زندان قصر آورده است که این زندان از «سراسربین» (Panopticon) بتنام (Jeremy Bentham) الهام گرفته است^{۱۴} (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۵۶).

اکنون این پرسش به ذهن متبادر می‌شود آیا در کل بین زندان قصر و طرح سراسربین تشابه‌هایی وجود دارد؟ فوکو (Michel Foucault) معماری سراسربین را این‌گونه توصیف کرده است: «ساختمانی حلقه‌ای در پیرامون و برجی در مرکز؛ برج پنجره‌های عریض مشرف بر نمای داخلی ساختمان حلقه‌ای پیرامون دارد و ساختمان پیرامونی نیز از سلول‌هایی تشکیل شده است که تمام عرض ساختمان را از یک سرتاسر دیگر دربرمی‌گیرند و هر سلول دو پنجره دارد، یکی به سمت داخل و رو به پنجره‌هایی برج و دیگری رو به بیرون چندان که نور خورشید سرتاسر سلول را درمی‌نوردد... . سازوکار سراسربین واحدهایی مکانی را سامان می‌دهد که مشاهده بی‌وقفه و شناسایی بی‌درنگ را امکان‌پذیر می‌کنند. روی هم‌رفته [در سراسر بین] اصل

نقیس، ابریشم‌دوزی‌های عالی و مبیل‌های چرمی و چوبی به نمایش درآمده بود (سالنامه پارس، ۱۳۱۹، س ۱۵: ۱۳۰؛ ۱۳۲۱، س ۱۷: ۱۹۱).

حمام

در زندان مدرن مکانی برای شست‌وشوی زندانیان ایجاد شد که در زندان و سیاه‌چال‌های پیشین محلی از اعراب نداشت. بیشتر زندانیان مشهور یا متنفذ را برای استحمام به حمام شهر می‌بردند. علی‌دشتی در سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م، مدتی را در حبس گذراند؛ چون در آن زمان هنوز در زندان‌های نظمیۀ تهران حمام ایجاد نشده بود او با همراهی دو آژان مسلح از زندان به حمام شهر رفت. دشتی اظهار می‌کند مدت‌ها به حمام نرفته بود و به‌هنگام عزیمت برای حمام، نگاه‌های متجسس مردم او را آزار می‌داد. آژان‌ها حتی در خزینۀ حمام هم دشتی را مشایعت می‌کردند؛ اما اسلحه خود را به گرم‌خانه حمام نیاورده بودند (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۰۲). این وضعیت زندانیان سیاسی معروف، نظیر دشتی، بود؛ ولی زندانیان در محبس عمومی نظیر قاتلان، سارقان حرفه‌ای و... حق حمام‌رفتن نداشتند.

با افتتاح زندان قصر، حمام‌های نوین و باکیفیتی در آن ایجاد شد که باید گفت یکی از معدود زندان‌های این دوران بود که حمام مناسبی داشت. با این حال آب خنک زندان قصر از قنات‌های پیرامون آن تأمین می‌شد که به علت گذر آب از سربازخانه قصر غیربهداشتی بود (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۳، کارتن ۱۱۱، جزوه‌دان ۳/۱، پوشه ۲۷۳).

زندان در خلال هشت روز، از قنات دارآباد یک ساعت و نیم آب می‌گرفت و این مقدار آب برای مصرف زندانیان و شست‌وشوی آنها و نیز مشروب‌ساختن باغ زندان کافی نبود و به این علت

می‌کرد (کاپالدی، ۱۳۸۳: ۱۷). به‌طور کامل روشن است که ادعای آبراهامیان با سخن فوکو موافقت و تطابق ندارد. در معماری، قصر به سراسربین بنام شباهتی ندارد و قصر برج مرکزی و ساختمانی حلقه‌ای با سلول‌های مجزا نداشته است. ضمن اینکه در سراسربین سلول انفرادی میله‌ای حائز اهمیت است که به‌واسطه آن، نظارت دقیق بر زندانیان اعمال می‌شود و همین سلول میله‌ای حریم خصوصی زندانیان را از بین می‌برد (خزائی، ۱۳۹۶: ۲۷). مسئله‌ای که زندان قصر، به استثناء چند سلول انفرادی در حبس تاریک، در کل فاقد آن بوده است.

سلول تاریک وارونه شد؛ به عبارت بهتر، از سه کارکرد آن، یعنی حبس کردن و محرومیت از نور و پنهان کردن، فقط اولی حفظ و دو کارکرد دیگر حذف شد. روشنایی کامل و نگاه یک مراقب بهتر از تاریکی که نهایتاً محافظت می‌کند، در اسارت می‌گیرد» (فوکو، ۱۳۸۸: ۲۴۸ و ۲۴۹). براساس نظر خود بنتم، در زندان سراسربین حضور در همه جا آشکار یک بازرس با سهولت بی‌حد و حصرِ حضوری واقعی در هم آمیخته می‌شود (Bentham, 1995: 8).

ازاین‌رو ساختمان این زندان به‌گونه‌ای طراحی شده بود که نظارت بر تمام زندانیان را در یک زمان میسر

ساختار زندان‌های پیشامدرن و مدرن (انبار تهران و زندان قصر) (خزائی، ۱۳۹۶: ۲۰۹)

ویژگی نام زندان	نوع زندان	نوع نهاد	موقعیت جغرافیایی	سازه	کالبد درونی	کیفیت نور
انبار تهران	پیشامدرن	غیر تام	داخل شهر تهران (جنوب شرقی میدان ارگ)	بومی	ساده (فاقد سلول، بند، اتاق ملاقات و...)	تاریک (فاقد پنجره)
زندان قصر	مدرن	تام	خارج شهر تهران (جاده شمیران)	غیربومی	پیچیده (ترکیبی از خرده نهادهایی مانند بیمارستان، دارالتادیب، کارگاه و...)	روشن (دارای پنجره‌های متعدد)

نتیجه

کرد؛ از آن جمله می‌توان به تاریکی و نبود نور، نداشتن سلول و به‌دنبال آن تفکیک نشدن زندانیان، کاربرد کندوزنجیر و... اشاره کرد. انبار تهران در حکم زندانی از نوع پیشامدرن، ساختاری معین داشت؛ این‌گونه که زندانیان همه در محوطه‌ای سرپوشیده، کنار یکدیگر و در کند و زنجیر دربند بودند و در این محوطه برای ورود نور هیچ روزن و پنجره‌ای وجود نداشت و از این نظر چنین ساختاری، زندانی را در تاریکی محض فرو می‌برد؛ بنابراین برای اطلاق نام زندان‌های پیشامدرن، سیاه‌چال از هر نامی با‌مسماتر است.

اما ازسوی دیگر، از دوران مشروطیت به تدریج تغییر و تحولاتی در ساختار سیاسی و به‌دنبال آن ساختار نهاد

پژوهش کنونی به‌دنبال تحلیل ساختار زندان پیشامدرن و مدرن، با تکیه بر انبار و قصر بود. ساختار فیزیکی زندان‌های پیشامدرن با ساختار سیاسی و فکری آن دوران مشابه بود. ساختار سیاسی که در آن رابطه ارباب‌رعیتی حاکم بود. همان‌طور که پادشاهان گذشته اختیار جان و مال مردم را داشتند و اجازه داشتند آنها را با گناه و بی‌گناه اعدام کنند، در انبار هم وجود چاه و بریدن سر زندانیان و انداختن اجساد آنها درون چاه در همین چارچوب فکری درخور تبیین است. باوجود اختلاف در شکل ظاهر و معماری می‌توان برخی ویژگی‌های مشترک را در زندان‌های پیشامدرن احصاء

همین ساختارهاست که تمام رویدادهای صحنه زندان را به نمایش می‌گذارد. بنابراین اگر از منظر ساختارگرایان که عینیت‌گرا هستند، به زندان نظر بکنیم، همین ساختارهای انضمامی‌اند که موجب صورت‌بندی کنش‌ها به حساب می‌آیند؛ به سخن دیگر، تا در زندان مدرن عناصری همچون کارگاه، بیمارستان، اتاق ملاقات و... به وجود نیامده باشد، نمی‌توان به تکوین کنش‌هایی همچون کار، درمان، ملاقات و... امیدوار بود و در اینجا، برخلاف اگزستانسیالیست‌ها، امید به آزادی و اراده کنشگران چندان معنی ندارد.

پی‌نوشت

۱. برخلاف ساختارگرایی مکاتبی چون اگزستانسیالیسم و لیبرالیسم به کنش ارادی افراد باور دارند.
۲. به‌منظور فهم ساختار طبقاتی دموکراتیک و ضد دموکراتیک به آثار لیپست از جمله انسان سیاسی مراجعه کنید.
۳. به نظر می‌رسد ابن‌العبری در این باره دچار خطا شده است؛ زیرا بسیار بعید است بیش از ۸۰ سال پس از شهادت امام حسین (ع) هنوز فرزندان از ایشان در قید حیات بوده باشند. به احتمال مقصود نوادگان امام حسین بوده است.
۴. زندان سیاسی یعقوب لیث صفاری.
۵. قلعه اردبیل را عباس میرزا نایب‌السلطنه ساخت (رضاقلی میرزا، ۱۳۴۶: ۳۷).
۶. کرزن در ایران و قضیه ایران تصویریری از زندان تهران ارائه کرده که به احتمال همان انبار بوده است (کرزن، ۱۳۸۰: ۵۹۵).
۷. برای اطلاع از وضعیت انبار مشهد (نک: مجدالاسلام، بی تا: ۱۴۱ و ۱۴۲).
۸. بسیاری از نویسندگان از زندان قصر با عنوان «زندان بالا» یاد کرده‌اند و «بالا» را در قیاس با زندان موقت در جنب شهربانی مراد می‌کنند که در مرکز آن روز

زندان صورت پذیرفت. با حذف رابطه ارباب‌رعیتی، ساختار سیاسی دموکراتیکی تعریف شد که در آن پادشاه مقید شد و مردم دارای حقوقی انکارناپذیری شدند. در این تحولات، زندان مدرن قصر گسستی ساختاری از انبارها به شمار می‌آید. زندان قصر در حکم نخستین زندان مدرن ایران و البته نه از نوع سراسرین آن، با انبارهای ساختاری به‌طور کامل تفاوت داشت. در ساختار و فضای کالبدی زندان مدرن، حقوق زندانیان لحاظ شده بود؛ بنابراین در آنها خرده‌نهادها و عناصری مانند بیمارستان، کارگاه، اتاق ملاقات، حمام و دستشویی ایجاد شده بود که در ساختار زندان‌های گذشته محلی از اعراب نداشت. جالب اینکه حبس تاریک یا سیاه‌چال یکی از بخش‌های زندان قصر بود که از آن برای مجازات زندانیان خاطی استفاده می‌شد. این مجازات شدید در واقع زیست‌عادی زندانیان در انبارها و سیاه‌چال‌های گذشته بود. از حیث نشانه‌شناسی باید گفت در حالی که در دوران گذشته، در ساحت زندان قدرت خود را در تاریکی متجلی می‌کرد در دوره جدید، قدرت در نور و روشنایی اعمال می‌شد. از این رو زندان مدرن تجمعی از خرده‌نهادهای گوناگون بود که قرارگیری آنها در کنار یکدیگر، امکان ارتباط زندانیان را با دنیای خارج قطع یا محدود می‌کرد. در حالی که در زندان‌های گذشته، زندانیان متنفذ را گاه برای درمان یا حمام به بیرون از زندان می‌بردند، در زندان قصر با ایجاد حمام و بیمارستان از خروج زندانیان به نیت‌های اشاره‌شده ممانعت می‌شد و این یکی از ویژگی‌هایی است که در مقایسه با گذشته، قدرت و انضباط افزون‌تر را در زندان نوین نشان می‌دهد. از این رو باید گفت زندان در جایگاه یک «نهاد تام» گافمنی فقط می‌توانست با ساختار نوین و پیچیده موضوعیت داشته باشد. در چنین ساختاری است که بازیگران صحنه زندان، به کنشگری دست می‌زنند و

- شهر تهران واقع بود (افتخاری، ۱۳۶۷: ۶۰). برخی نویسندگان و سیاستمداران از قصر با اسامی دیگری همچون «زندان مرکزی»، «باستیل ایران» و «سینگ سینگ ایران» یاد کرده‌اند. در آبان ۱۳۹۱، باغ‌موزه قصر مشتمل بر موزه زندان مارکف، سالن فرخی یزدی و بسیار بخش‌های دیگر برای بازدید عموم افتتاح شد.
۹. در دوران جدید به‌طور کلی نظر بر آن است که زندان خارج از شهر و با لحاظ کردن احتیاج‌های آتی ساخته شود. از این‌رو در حوالی زندان نباید مکان‌هایی همچون مدرسه و کارخانه و بناهای بلندی که مشرف بر زندان باشد، وجود داشته باشد (دانش، ۱۳۷۲: ۲۰۱ و ۲۰۲).
۱۰. نیکلای مارکف یکی از معماران تأثیرگذار دوران تحول است. او در ساخت بناهای آموزشی نظیر مدرسه البرز، مدرسه عالی فلاح و... به معماری ایرانی اسلامی توجه داشت؛ ولی در ساختمان‌های عمومی و اداری نظیر ساختمان پست و ورزشگاه امجدیه، برخلاف مراکز آموزشی، متوجه مراجع غیررسمی و غیرایرانی بود.
۱۱. برای نخستین بار در آیین‌نامه سال ۱۳۵۴ حبس زندانیان در جایی نزدیک به محل اقامتشان لحاظ شد.
۱۲. بهداری.
۱۳. رضاشاه در ۲۰ آبان ۱۳۱۳ نمایشگاه دائمی کالای ایران را در تهران افتتاح کرد.
۱۴. بتنام در سال ۱۷۹۴م طرحی از یک زندان را به پارلمان انگلستان داد که آن را (Panopticon) نامید (کاپالدی، ۱۳۸۳: ۱۷).
- ۱۹۴۲-۱۹۲۸، بی‌جا: حزب توده.
- . ابن‌العبری، (۱۳۷۷)، مختصر تاریخ الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- . احمدی، بابک، (۱۳۸۷)، ساختار و هرمنوتیک، چ ۴، تهران: گام نو.
- . اسنادی از زندان و زندانیان در عصر پهلوی، (۱۳۸۴)، زیر نظر علی شمس، با همکاری علی کریمیان و حسین زرینی، تهران: راه تربیت.
- . افتخاری، یوسف، (۱۳۷۰)، خاطرات دوران سپری‌شده، به کوشش کاوه بیات و مجید تفرشی، تهران: فردوس.
- . امیراحمدی، احمد، (۱۳۷۳)، خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، ج ۱، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- . پلیس ایران، (۲۵۳۵)، بی‌جا: روابط عمومی شهرداری کشور.
- . پیشه‌وری، جعفر، (۱۳۸۴)، زندان رضاشاه، تحقیق و تدوین شاهرخ فرزاد، تهران: شیرین.
- . جهان‌شاه‌لو افشار، نصرت‌الله، (۱۳۸۰)، ما و بیگانگان، تهران: ورجاوند.
- . جودت، حسین، (۲۵۳۶)، از انقلاب مشروطیت تا انقلاب شاه و ملت، بی‌جا: درخشان.
- . حاج‌سیاح، (۱۳۵۹)، خاطرات حاج‌سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار، چ ۳، تهران: سپهر.
- . خامه‌ای، انور، (۱۳۶۲)، پنجاه‌وسه نفر، تهران: هفته.
- . _____، (۱۳۷۲)، خاطرات سیاسی، تهران: گفتار.
- خزائی، یعقوب، (۱۳۹۶)، فرایند ساخت یابی نهاد زندان، چ ۲، تهران: آکه.
- . دانش، تاج‌زمان، (۱۳۷۲)، حقوق زندانیان و علم زندانها، تهران: دانشگاه تهران.
- . آبراهامیان، پرواند، (۱۳۸۲)، اعترافات شکنجه‌شدگان، ترجمه رضا شریفها، سوند: باران.
- . آوانسیان، اردشیر، (۱۳۵۸)، یادداشت‌های زندان

- . دانیلی ویکتور و بیژن شافعی و سهراب سروشیانی، (۱۳۸۲)، معماری نیکلامی مارکف، تهران: دید.
- . دشتی، علی، (۱۳۸۰)، ایام محبس، تهران: اساطیر.
- . دنبلی، عبدالرزاق مفتون، (۱۳۸۳)، مآثرالسلطانیه به ضمیمه جنگ‌های دوره دوم از تاریخ ذوالقرنین، تهران: روزنامه رسمی ایران.
- . دولت‌آبادی، یحیی، (۱۳۶۱)، حیات یحیی، ج ۲، چ ۳، تهران: عطار.
- . دینوری، ابوحنیفه، (۱۳۶۴)، اخبارالطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- . رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، (۱۳۵۷)، فارس و جنگ بین‌الملل، ج ۲، چ ۴، تهران: اقبال.
- . روسو، ژان ژاک، (۱۳۸۰)، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، چ ۲، تهران، آگاه.
- . زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر تاج‌زمان دانش، (۱۳۸۸)، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- . زنگنه، احمد، (۲۵۳۵)، خاطراتی از مأموریت من در آذربایجان، تهران: شرق.
- . رضاقلی میرزا، (۱۳۴۶)، سفرنامه رضاقلی میرزا، به کوشش اصغر فرمانفرمائی قاجار، تهران: دانشگاه تهران.
- . سرنا، کارلا، (۱۳۶۲)، سفرنامه مادام کارلا سرنا؛ آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- . سلطانی، محمدطاهر، (۱۳۸۴)، خاطرات سلطانی؛ از قصرشیرین تا قصر قجر، به اهتمام محمدعلی سلطانی، تهران: سها.
- . طبری، احسان، (۱۳۸۲)، از دیدار خویشتن، به کوشش محمدعلی شهرستانی، تهران: بازتاب نگار.
- . _____، (بی‌تا)، شکنجه‌های رضاخان قلدر، بی‌جا: ا. آهن.
- . عضدانلو، حمید، (۱۳۸۴)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نی.
- . علوی، بزرگ، (۱۳۵۷)، پنجاه‌وسه نفر، تهران: امیرکبیر.
- . _____، (۱۳۵۷)، ورق‌پاره‌های زندان، تهران: جاویدان.
- . فوکو، میشل، (۱۳۸۸)، مراقبت و تنبیه، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چ ۸، تهران: نی.
- . کاپالیدی، نیکولاس، (۱۳۸۳)، بتنام، میل و مکتب فایده‌گرایی، ترجمه محمد بقائی، تهران: اقبال.
- . کرزن، جرج . ن، (۱۳۸۰)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، چ ۵، تهران: علمی و فرهنگی.
- . کمره‌ای، سیدمحمد، (۱۳۸۴)، روزنامه خاطرات سیدمحمد کمره‌ای، به اهتمام محمدجواد مرادی‌نیا، چ ۲، تهران: اساطیر.
- . مجدالاسلام کرمانی، احمد، (بی‌تا)، سفرنامه کلات، به تحشیه محمود خلیل‌پور، چاپ افست، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- . موریس، نوروال و دیوید ج. روتمن، (۱۳۹۰)، سرگذشت زندان، ترجمه پرتو اشراق، تهران: ناهید.
- . ملازاده، کاظم و مریم محمدی، (۱۳۸۵)، قلاع و استحکامات نظامی، تهران: سوره مهر.
- . مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت، (۱۳۸۸)، بخش اول، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- . نصرت‌الدوله، (۱۳۷۵)، خاطرات محبس، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.
- . یعقوبی، ابن‌واضح، (۱۳۶۶)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۲، چ ۵، تهران: علمی و فرهنگی.

ب. روزنامه و مجله

- آزاد، عبدالقدیر، (۱۳۵۱)، « ۱۵ سال در زندان»،
خاطرات وحید، دوره ۱۰، ش ۱۱.
_____، (۱۳۵۱)، «گوشه‌ای از تاریخ»،
خاطرات وحید، دوره ۱۰، ش ۱۴.
اطلاعات، ش ۸۹۸، آبان ۱۳۰۸.
اطلاعات، س ۶، ش ۱۴۲۱، ۳ شهریور ۱۳۱۰.
پلیس، ش ۱۷، آذر و دی ۱۳۰۶.
سالنامه پارس، س ۱۵ و ۱۷، ۱۳۱۹ و ۱۳۲۱.

ج. اسناد

- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره ۱۳،
کارتن ۱۱۱، جزوه دان ۳/۱، پوشه ۲۷۳.
سازمان اسناد ملی، سند شماره ۳۵۰۰۰۶۷۲۴.

د. منابع انگلیسی

- . Bentham, Jeremy, (1995), *The Panopticon Writings*, Edited by Miran Bozovic, London: Verso
. Foucault, Michel, (2004), *Surveiller et punir, Naissance de la prison*, Paris: Gallimard
. Piaget, Jean, (1968), *Le structuralisme*, Paris: Presses universitaires de France.
. Smith, Greg, (2006), *Erving Goffman*, London and New York: Routledge
. Zougrana, Jean, (1998), *Michel Foucault un parcours croisé; Lévi-Strauss, Heidegger*, Paris: Editions L'harmattan INC